

۶

سناریوهای محتمل لایحه تحریمی یکجانبه جدید آمریکا علیه دولت و شهروندان سوریه

حسین دوطاقتی^۱

ناصر خورشیدی^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱. دکترای تاریخ پس از اسلام و رئیس اداره ارزیابی عملکرد واخ، نویسنده مسئول hassandoutaghy@yahoo.com

^۲. کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل، n.khorshidi96@gmail.com

چکیده

هدف نوشتار حاضر ارزیابی اثر تحریم‌های یکجانبه آمریکا بویژه لایحه تحریمی جدید این کشور «موسوم به سزار (قیصر)» علیه دولت و شهروندان سوریه می‌باشد. بنابراین، سؤالاتی که در راستای هدف پژوهش قابل طرح و ارزیابی می‌باشند این است که سناریوهای محتمل لایحه تحریمی یکجانبه سزار در رابطه با دولت و شهروندان سوریه چیست؟ و احتمال تحقق و عینیت یافتن کدام یک از سناریوهای مطرح بیشتر است؟ دو سناریو در رابطه با لایحه تحریمی سزار مطرح است؛ سناریوی نخست این است که با توجه به گستردگی ابعاد لایحه تحریمی سزار، احتمال گسترش نارضایتی عمومی در میان طرفداران حکومت اسد وجود دارد و سقوط این حکومت و یا حداقل تغییر در رفتار سیاست خارجی آن قابل پیش‌بینی است. سناریوی دوم این است که لایحه تحریمی سزار نه تنها اثری بر نظام سیاسی و نیز رفتار سیاست خارجی سوریه ایجاد نمی‌کند، بلکه این مردم و شهروندان سوری هستند که بیشترین آسیب را از لایحه تحریمی سزار می‌پذیرند. یافته تحقیق حکایت از آن دارد که احتمال تحقق و عینیت یافتن سناریوی دوم بیشتر است. لایحه تحریمی سزار بر گروه‌های آسیب‌پذیر و غیرنظامیان سوریه بیشترین اثر را می‌گذارد و حقوق مصرح شهروندان سوری در اسناد جهانی حقوق بشر از جمله «حق حیات»، «حق غذا»، «حق سلامت»، «حق کار» و «حق آموزش» مورد نقض جدی و فاحش قرار می‌گیرد. با توجه به شیوع فزاینده ویروس کرونا، احتمال به خطر افتادن حق سلامت شهروندان سوری بیش از سایر حقوق است. روش تحقیق مبتنی بر سناریونویسی بوده و برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز آن نیز از لایحه سزار، اسناد حقوق بشری، قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای حقوق بشر و گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در رابطه با اثر منفی اقدامات یکجانبه اجبارآمیز بر بهره‌مندی از حقوق بشر استفاده شده است.

• واژگان کلیدی

آمریکا، تحریم‌های یکجانبه، حقوق بشر، سوریه، لایحه سزار، ویروس کرونا.

تحریم بعنوان یک اقدام هوشمندانه در روابط بین‌الملل به کار گرفته می‌شود که به نوعی می‌توان در میانه و حد واسط «توسل به زور» و «اقدام دیپلماتیک» آن را مورد شناسایی قرار داد. این مکانیسم به دو روش مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ نخست به صورت یکجانبه که توسط یک دولت منفرد علیه دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها وضع و اجرا می‌شود و دوم به صورت چندجانبه اتخاذ می‌گردد و آن زمانی است که یک نهاد بین‌المللی و بر اساس حقوق بین‌الملل، کشور یا مجموعه‌ای از کشورها را تحت تحریم قرار دهد.

بدلیل سابقه نه چندان زیاد نهادسازی در عرصه نظام بین‌الملل، مورد نخست یعنی تحریم‌های یکجانبه از تاریخ بسیار طولانی در مقایسه با تحریم‌های چندجانبه برخوردار است. اسنادی در رابطه با دیرینه‌شناسی تحریم‌های یکجانبه^۱ در دست است که نشان می‌دهد تحریم‌های یکجانبه و بهره‌گیری از آن بعنوان یک حربه سیاسی و تنبیهی، از دولت شهرهای یونان باستان آغاز شده است. در سال ۴۲۹ قبل از میلاد، دولت شهر اجینا^۲ کشتی‌های دولت شهر آتن را در یک «اقدام متقابل» توقیف و تمام خدمه و سرنشینان آن را به گروگان می‌گیرد. در قرون وسطی و در طول جنگ‌های صلیبی، رهبران مذهبی و اصحاب کلیسا در اروپا با ممنوع ساختن صادرات اسلحه و مهمات به سارکان^۳، اقدامات یکجانبه را در دستور کار قرار دادند. در آن زمان، اهالی این منطقه به عرب و مسلمان بودن متهم بودند. این سیاست رسمی شورای مقدس (۱۱۷۹) پس از چهار قرن از سوی شورای لاتران^۴ و توسط مارتین لوتر^۵ ملغی اعلام شد (Jazayri, Idris, 2015: 7).

تاریخچه

با وجودی که سابقه وضع و اعمال تحریم‌های یکجانبه را می‌توان به عهد باستان و قرون وسطی کشاند، اما در عصر پساوستفالی تحریم به یک رویه متداول در رفتار دولت‌ها تبدیل شده است. در این بین می‌توان آمریکا و انگلیس را بعنوان دو کشور سرآمد در وضع و اعمال تحریم‌های یکجانبه بشمار آورد. در طول دوران جنگ جهانی اول و دوم بریتانیای کبیر و آمریکا، کنترل صادرات و

¹. Unilateral Sanctions

². the City-State of Aegina

³. Saracens

⁴. Council of Lateran

⁵. Martin Luther

بلوک‌سازی‌های متعلق به قوای محور و سایر نهادها و اشخاص تحت کنترل آنها را برقرار نمودند. قابل توجه است که بسیاری از این تحریم‌ها حتی پس از خاتمه جنگ جهانی دوم نیز ادامه یافتند و آمریکا بعداً این تحریم‌ها را در قالب سیستم جامع محدودیت‌های اقتصادی و مالی علیه کشورهای کمونیست و دیگر کشورهای ذیربط و تروریست‌های بین‌المللی گسترش داده است (جاوید، احسان، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

با تشکیل جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ و پیاده شدن «سیستم اقدام دسته جمعی» در سیاست و روابط بین‌الملل، تحریم از ید و اختیار انحصاری دولت‌های منفرد خارج و سازمان‌های بین‌المللی نیز در کنار دولت‌ها خود را محق و ذی صاحب در اعمال و اجرای تحریم‌ها به حساب آوردند. با این تفاوت که تحریم‌های اعمال شده توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دیگر جنبه یکجانبه نداشتند، بلکه از یک جنبه بین‌المللی و قانونی برخوردار شدند.

میثاق جامعه ملل در بندهای یک، دو، سه و چهار ماده ۱۶ اشاره‌ای مبهم و پوشیده به تحریم‌های اقتصادی کرده است. بویژه آنجا که تصریح می‌دارد: هرگاه یکی از اعضای جامعه با وجود تعهدات ناشی از مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۵ به جنگ توسل جوید، مثل این است که باتمام اعضای جامعه وارد کارزار شده باشد. در این صورت اعضای جامعه باید اولاً روابط تجاری و اقتصادی خود را با آن کشور بیدرنگ قطع کنند و ثانیاً از ایجاد هرگونه رابطه میان اتباع خود و اتباع کشوری که نقض عهد کرده است، جلوگیری به عمل آورند و ثالثاً تمام مراودات مالی و تجاری شخصی میان اتباع دولت خاطی و اتباع کشورهای دیگر را، اعم از اینکه عضو جامعه باشند یا نباشند، برهم زنند. با این حال، نه در این ماده و نه در سایر مواد به صورت شفاف و آشکار به واژه تحریم اشاره نشده است. اما وقتی صحبت از مجازات‌های اقتصادی می‌شود، نمی‌توان منظوری به غیر از تحریم از آن مستفاد کرد.

در چارچوب منشور ملل متحد نیز اشاره‌ای واضح به مفهوم تحریم نشده است، لیکن در مقررات آن به ویژه در ماده ۴۱، از اجرای اقدامات (Measures) به ویژه متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن - دریایی - هوایی - پستی - تلگرافی - رادیویی و سایر وسائل ارتباطی و قطع روابط سیاسی صحبت شده که در عمل می‌تواند به صورت تحریم اجرا شود (نعمتی، نیلوفر، ۱۳۸۸: ۱۱).

با توجه به موضوع و ماهیت تحقیق حاضر، در اینجا نگارندگان بیشتر با نوع اول تحریم‌ها یعنی تحریم‌های یکجانبه سروکار خواهند داشت. استفاده از این نوع تحریم‌ها در چارچوب قوانین داخلی کشورها و با گستره اجرایی فراسرزمینی منجر به بروز مشکلاتی در حقوق بین‌الملل شده و اجرای

آن، برنامه‌ها و چالش‌هایی را پیرامون رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل همچون حقوق بشر، منع مداخله و رعایت حاکمیت دولت‌ها به وجود آورده است (جاوید، احسان، ۱۳۹۳: ۱۰۶). این رویه در حال حاضر بیشتر از همه کشورهای، توسط ایالات متحده آمریکا دنبال می‌شود و به نوعی پایه‌گذار این رویه خطرناک در نظام بین‌الملل بویژه پس از جنگ سرد نیز محسوب می‌شود. این کشور از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۶ بیش از ۶۱ تحریم یکجانبه علیه ۳۵ کشور وضع نمود که ۴۲ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. آمریکا تا سال ۲۰۱۲ نیز بیش از ۶۹ تحریم برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه طیفی از کشورها وضع کرده است. آمریکا تا فروردین ۱۳۹۵ نیز ۲۲ کشور را تحت تحریم‌های خود حفظ کرده بود (زمانی و غریب آبادی، ۱۳۹۶: ۹۴).

یکی از کشورهایی که تحت تحریم‌های شدید و یکجانبه ایالات متحده آمریکا قرار دارد، سوریه است و با وجودی که از سال ۱۹۷۹ مورد تحریم‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا است، لیکن از سال ۲۰۰۴ و در پی ترور رفیق حریری آمریکا شدیدترین مجازات‌ها را علیه این کشور اعمال نموده است. از سال ۲۰۱۱ و با شروع بحران داخلی در سوریه، دولت اوباما در راستای تضعیف حکومت بشار اسد یکبار دیگر و در ابعاد گسترده‌تر سوریه را مورد تحریم‌های یکجانبه خود قرار داد.

در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۲۰، یکبار دیگر آمریکا تحت رهبری ترامپ، گسترده‌ترین تحریم‌ها را علیه دولت و ملت سوریه وضع نمود. این تحریم که تحت لایحه سزار^۱ ساماندهی شده است بعنوان بخشی از جدیدترین قانون تحریمی آمریکا و در عین حال ظالمانه‌ترین آنها بشمار می‌رود. برخلاف تحریم‌های قبلی، لایحه سزار طرف‌های ثالثی که مشغول مراوده با دولت سوریه هستند را نیز در بر می‌گیرد. جنبه فراسرزمینی این تحریم در وهله نخست مباحث حقوقی مرتبط با آن از جمله مشروع و غیر مشروع بودن این لایحه را مطرح می‌سازد که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، با توجه به اثر منفی این تحریم‌ها بر شهروندان سوریه و به مخاطره افتادن حقوق مصرح در اسناد جهانی حقوق بشر، مشروعیت آن را از منظر حقوق بشر^۲ و حقوق بشر دوستانه^۳ نیز مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پیشینه ادبیاتی پژوهش، با توجه به اینکه هنوز لایحه تحریمی سزار جدیداً وضع و اعمال شده است، بلحاظ موضوعی تحقیقی صورت نگرفته، لیکن اگر به لحاظ محتوایی بخواهیم

^۱. Caesar's Bill

^۱. Human Rights

^۲. Humanitarian Law

مروری بر ادبیات تحقیق داشته باشیم، تحقیقات گسترده‌ای در داخل کشور و خارج صورت گرفته است که ذیلاً به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

عمادی، سید محسن عمادی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر" معتقد است که افزایش اعمال تحریم از جانب شورای امنیت نگرانی فزاینده‌ای را در ارتباط با خسارات وارده بر شهروندان کشورهای تحت تحریم موجب گردیده است. تحقیقاتی که در خصوص عراق و هائیتی انجام شده، حاکی از آن است که این تحریم‌ها موجب افزایش شدید مرگ و میر کودکان، گسترش فقر، مهاجرت، کمبود مواد غذایی و دارو و سایر نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی گردید. در نتیجه، مباحث گسترده‌ای در سطح سازمان ملل و خارج از آن در خصوص انتقاد تحریم‌های شورای امنیت و همچنین مسؤلیت آن شورا در قبال نقض حقوق بشر بویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان مطرح است. نویسنده معتقد است تحریم‌های شورای امنیت در انطباق با هنجارهای حقوق بشری بویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی نیست و اعمال این تحریم‌ها منجر به نقض فاحش حقوق بشر می‌گردد.

قاسم زمانی و کاظم غریب آبادی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان "مشروعیت تحریم‌های یکجانبه اقتصادی در چارچوب حقوق بین‌الملل" معتقدند: کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع ملی خود به طور یکجانبه مجازات‌هایی را علیه دیگران اعمال می‌کنند. در این زمینه، تحریم‌ها ابزاری در راستای اهداف سیاست خارجی تلقی می‌شوند. بدیهی است که مطابق با منشور ملل متحد مسئولیت وضع و اجرای تحریم بر عهده شورای امنیت است و دولت‌ها از انجام این کار منع شده‌اند. اقدامات دولت‌ها علیه یکدیگر در خارج از منشور از تحریم مجزا شده و عنوان اقدام متقابل به خود گرفته است. تحریم‌ها چه از طرف شورای امنیت اعمال شود و چه دولت‌ها به صورت یکجانبه آن را علیه یکدیگر وضع کنند، بر بهره‌مندی افراد از حقوق بشر اساسی خود تأثیر جدی می‌گذارند.

ساک بوم، بانک بئک (۲۰۰۸)، در نوشتاری تحت عنوان "تحریم‌های اقتصادی علیه تجاوزات حقوق بشری"، معتقد است که تحریم‌ها دارای کارکرد دوگانه در نظام بین‌الملل هستند. از طرفی نقش مؤثر در تنبیه دولت خاطی دارند و از طرف دیگر می‌توانند در صورت عدم هوشمندی بر حقوق بشر غیرنظامیان تأثیر منفی بگذارند. تحریم‌های یکجانبه با دیگر اصول اساسی حقوق بین‌الملل یعنی اصل عدم مداخله و حاکمیت دولت‌ها مغایرت کامل دارد. تحریم‌های اقتصادی همچنین می‌توانند دستور کار اول سازمان تجارت جهانی یعنی اصل تجارت آزاد را خدشه دار سازند. بدتر از همه آثار سوء این تحریم‌ها بر شهروندان عادی است که می‌تواند زندگی و حیات آنها

را با خطرات جدی مواجه سازد. نویسنده بر این باور است که با وجود پیشرفت در هنجارهای حقوق بشری، حمایت مؤثر از حقوق بشر و اجرای قانونی آن‌ها امری زمان‌بر و نیاز به طی مسیره‌های طولانی دارد.

جرج گاتمن و همکارانش (۲۰۱۸)، در مقاله تحت عنوان "تحریم‌های اقتصادی و حقوق بشر: کمی سازی اصل تناسب حقوقی" معتقدند که هدف از وضع تحریم‌های اقتصادی حقوق بشری، تغییر رفتار دولت‌های اقتدارگرا و بهبود وضعیت حقوق بشری در آنهاست. با این وجود، نویسندگان معتقدند که تحریم‌های یکجانبه نه تنها اثر مثبتی در تغییر رویه دولت‌های خاطی نداشته‌اند، بلکه اوضاع شهروندان را نیز بیش از پیش مختل نموده‌اند.

۱- چارچوب مفهومی تحقیق

تحریم: سه واژه Sanction، Embargo و Baycott معادل و مترادف تحریم در زبان فارسی هستند. این سه واژه هرچند هم معنی و مترادف واژه تحریم در انگلیسی می‌باشند، لیکن هر کدام بار معنایی و حقوقی متفاوتی دارند و در جاهای خاص و گوناگون نیز از آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال واژه ایمبارگو به مجازات‌های وضع شده در حوزه صادرات و بایکوت در مجازات‌های مربوط به واردات استعمال می‌شود. مفهوم Sanction نیز زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که قصد و منظور ما از مجازات هر دو حوزه صادرات و واردات باشد. بطور کلی تحریم در معنای Sanction اشاره به مجازات‌هایی دارد که از طرف یک دولت یا نهادی بر دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها وضع شده باشد. به تبعیت از این تعریف، در تحقیق حاضر نیز زمانی که ما از واژه تحریم استفاده می‌کنیم منظور در واقع همین معنای اخیر است. تحریم یکجانبه نیز اشاره به آن دسته از اقدامات یکجانبه قهری دارد که توسط یک دولت علیه دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تسلیحاتی وضع شده باشد. گزاره اخیر به این معنی است که تحریم دارای ابعاد مختلفی اعم از اقتصادی، تجاری، سیاسی، نظامی و تسلیحاتی می‌شود. با این وجود، آنچه که در این تحقیق مراد ما است بیشتر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه است و این نوع تحریم نیز بر شهروندان و غیرنظامیان تأثیر منفی بیشتری دارد. بنا به تعریف، تحریم اقتصادی عبارت از یک سلسله سیاست‌های برنامه‌ریزی شده به دولت برای محدود کردن مناسبات اقتصادی (بطور کل) با دولتی دیگر، به منظور دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود است. تحریم‌های می‌توانند بطور یکجانبه، چندجانبه و یا بر اساس قطعنامه‌های بین‌المللی اعمال شوند. تحریم‌های بین‌المللی

مستلزم صدور قطعنامه سازمان ملل است؛ اما در تحریم چندجانبه معمدلاً چند کشور برای اعمال تحریم علیه یک کشور دیگر باهم توافق می‌کنند. در تحریم یکجانبه نیز یک کشور به تنهایی علیه کشور دیگر وارد عمل می‌شود. دو مورد اخیر مستلزم صدور قطعنامه شورای امنیت نیست و توافق کشورها زمینه تحریم را فراهم می‌کند (فشندی و قادری، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۷).

حقوق بشر: حقوق بشر به معنای امتیازات کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است (فلسفی، هدایت‌الله، ۱۳۷۵: ۹۵). سازمان ملل متحد در تعریف خود از حقوق بشر چنین آورده است:

«حقوق بشر بطور کلی بعنوان حقوقی قابل تعریف بوده که از ذات ما جدا ناشدنی و بدون آن نمی‌توانیم بعنوان انسان زندگی کنیم، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی این امکان را برای ما فراهم می‌سازد، تا صفات انسانی‌مان، عقلمان، استعدادمان و وجدانمان را بطور کامل پرورش داده و به کار بریم و نیازهای روحی و دیگر نیازهای انسانی را برآورده سازیم، آن‌ها مبتنی بر خواسته روزافزون بشر برای یک زندگی است، که در آن شأن ذاتی و ارزش انسانی از احترام و حمایت برخوردار باشد» (داوری، محسن، ۱۳۸۹).

اصطلاح حقوق بشر جدید است و از زمان تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات عامیانه گردید. پیش از آن اصطلاح حقوق طبیعی و حقوق انسان در این زمینه به کار می‌رفت که قدمتی طولانی دارد. یکی از مهمترین و نخستین اقدامات سازمان ملل متحد در حمایت از حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم، تصویب و انتشار اعلامیه‌ای جهانی بود که تمامی اعضای سازمان ملل در تصویب این اعلامیه نظر مثبت داشتند و با اتفاق نظر اعضا تصویب گردید و بدین ترتیب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید و مفاد آن نیروی اخلاقی و راهنمای جامعه بین‌المللی توصیف شد. حقوق بشر برای همگان یکسان است و نژاد و رنگ و مذهب و عقیده و جنسیت در آن تمایزی ایجاد نمی‌کند. رعایت آن در هر جامعه‌ای و احترام به آن در هر تفکر و عقیده‌ای لازم است (بحیرائی، فاطمه، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۹).

حقوق بشر دوستانه: اصطلاح حقوق بشر دوستانه دارای منشاء نسبتاً جدیدی است. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۶ فقط فعالیت‌های بشر دوستانه و سازمان بشر دوستانه را ذکر می‌نمایند. گرچه گفته می‌شود که استفاده از اصطلاح حقوق بشر دوستانه از اوایل دهه ۱۹۵۰ توسط متخصصین حقوق بین‌الملل عمومی آغاز گردید، اولین کاربرد این اصطلاح به جین پیکتت نسبت

داده شده است. وی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در مفهوم وسیع آن، شامل دو شاخه می‌داند: حقوق جنگ و حقوق بشر. طبق تقسیم‌بندی وی، حقوق جنگ در دو معنا به کار می‌رود، یکی وسیع و دیگری محدود، که مفهوم وسیع آن خود به دو شعبه تقسیم می‌شود: حقوق لاهه و حقوق ژنو. در حالی که حقوق لاهه حقوق و وظایف متخاصمین را در رفتار عملیاتی تعیین می‌کند و انتخاب طرق صدمه رساندن به دشمن را محدود می‌سازد، حقوق ژنو یا حقوق بشردوستانه در مفهوم دقیق کلمه بر آن است تا از افراد نظامی که به هر دلیلی دیگر قادر به جنگ نمی‌باشند و نیز کسانی که در جنگ شرکت ندارند حمایت به عمل آورد (البرزی ورگی، مسعود، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۰).

سناریونویسی: سناریو در دو دهه گذشته، به عنوان یک ابزار پیشرفته، برای پرداختن به عدم قطعیت‌های آینده، بکار گرفته شده است. روش سناریونویسی در پاسخ به ناکامی‌ها و محدودیت‌های روش‌های کاملاً کمی پیش‌بینی، به ارائه رویکرد بافتاری کیفی‌تر برای توصیف آینده با خلق چندسناریو از آینده‌های باورپذیر، برای افزایش پابرجایی برنامه‌های راهبردی سازمان می‌پردازد. از این روش در شرکت‌های بزرگ چندملیتی همچون شرکت نفتی شل، هواپیماسازی پرات و ویتنی، آگرون و جنرال موتورز استفاده شده است. فاستر، لیتمن و کلاین به مطالعه ۱۰۰۰ شرکت فهرست فورچون پرداختند و دریافتند که نیمی از آنها ادعا می‌کنند که از روش سناریونویسی استفاده می‌کنند. پیمایش‌های مالاسکا و همکاران آشکار ساخت که درصد شرکت‌های بزرگ اروپایی استفاده‌کننده از روش سناریونویسی از ۴۳۶ در سال ۱۹۸۴ به ۴۴۰ در سال ۱۹۸۵ رسیده است (پدرام و زالی، ۱۳۹۷: ۳).

روش سناریونویسی بویژه برای کمک به درک رویدادهایی که به نظر می‌رسد شامل ترکیبی از اطلاعات نامرتب به هم باشند مفید است. سناریوها باید به خودی خود تصاویر ثابتی از وقایع ممکن در آینده را ارائه دهند و باید ترکیبی از مؤلفه‌های کمی و کیفی مرتب شده و ترتیب یافته، بعنوان شرط‌های منطقی که گزینه‌های دیگر برای آینده هستند، باشند. بسته به موضوع و شرایط تعداد سناریوها معمولاً محدود به ۲ یا ۳ مورد است. مهمترین مزیتی که این روش دارد یکپارچه‌سازی ابهامات و عدم حتمیت‌های موجود در دیدگاه‌های مختلف است (دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، ۱۳۹۴: ۱۳).

در چارچوب روش سناریونویسی نگارندگان قصد دارند با توجه به موضوع تحقیق دو نوع سناریو را مطرح کنند که هر دو سناریو بر اساس هدف نه‌هنجاری، بلکه اکتشافی هستند. یعنی براساس واقعیت‌های موجود، احتمال اینکه یکی از دو سناریو بوقوع بپیوندد هست، لیکن تجربیات تاریخی

بر جای مانده از آثار و پیامدهای منفی تحریم‌های یکجانبه که نگارندگان نیز خود درگیر چنین پدیده مذموم و زشتی از سوی آمریکا هستند این فرضیه را به اثبات می‌رسانند که احتمال وقوع پیوستن سناریوی دوم بیشتر باشد.

۲- جایگاه تحریم‌های یکجانبه در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل تردیدهایی درباره قانونی و مشروع بودن این قبیل از اقدامات مطرح شده است. برخی از دولت‌ها با اشاره به اصل اقدام متقابل^۱، اصل مقابله به مثل^۲، اقدام تلافی‌جویانه^۳ و اصل دفاع مشروع^۴، این حق را برای خود قائل می‌شوند که در راستای تنبیه دولت‌های خاطی به اقدامات یکجانبه اجبار آمیز متوسل شوند. با این حال، رویه برخی دولت‌ها از جمله آمریکا در وضع و اجرای تحریم‌های اقتصادی به دلیل تسری قوانین داخلی خود به محیط بین‌المللی به گونه‌ای بوده است که مشروعیت این قبیل از اقدامات عملاً زیر سؤال رفته است. دولت‌ها در چارچوب حقوق حاکمیتی خود مجاز به اتخاذ اقدامات و تدابیر قهری لازم علیه دولت یا دولت‌هایی هستند که دچار تعارض و تضاد منافع با آنها هستند. تحریم بعنوان یک اقدام قهری همواره مورد استفاده دولت‌ها علیه یکدیگر بوده و هم اکنون نیز بمثابه یک مکانیسم مرسوم و جا افتاده در سیاست بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چالش حقوقی مرتبط با تحریم‌های یکجانبه، به جنبه «فراسرزمینی» بودن آن مربوط می‌شود که علاوه بر محدودسازی روابط تجاری و مالی کشور تحریم‌کننده با کشور هدف، طرف‌های ثالث را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین اقدامات یکجانبه اجبار آمیز که تحریم نیز بخشی از آن می‌باشد در شرایطی که جنبه فراسرزمینی داشته باشد در چارچوب اصل عدم مداخله در امور داخلی و احترام به حاکمیت کشورها، یک اقدام نامشروع و غیر قانونی در حقوق بین‌الملل تلقی خواهد شد.

از آنجا که دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل مستقل هستند، هیچ دولتی حق ندارد بدون رضایت دولت دیگر در قلمرو آن اعمال صلاحیت کند. نتیجه تجاوز از قلمرو صلاحیت به موجب حقوق بین‌الملل بی‌اعتباری صلاحیت است. دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که در «پرونده لوتوس» اصول اساسی صلاحیت در حقوق بین‌الملل عمومی را پایه‌ریزی کرده است مقرر می‌دارد: اکنون نخستین و مقدم‌ترین محدودیت تحمیل شده بر یک دولت به موجب حقوق بین‌الملل این است که در صورت

1. Countermeasures

2. Retorsion

3. Reprisal

4. Self-Defense

عدم وجود یک قاعده مجاز، آن دولت می‌تواند اختیارات خود را در هر شکلی در قلمرو کشور دیگری اعمال نماید و صلاحیت در این مفهوم قطعاً سرزمینی است. هیچ دولتی نمی‌تواند در خارج از قلمرو خود اعمال حاکمیت کند مگر اینکه قاعده مجازی که از رسوم بین‌المللی یا قراردادهای بین‌المللی ناشی شده باشد وجود داشته باشد (مافی، همایون، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۱).

بنابراین توسل به اقدامات قانونی و حقوقی متقابل از جمله عمل متقابل، مقابله به مثل، عمل تلافی‌جویانه و اصل دفاع مشروع، زمانی قانونی و مشروع تلقی خواهند شد که در آن هیچ قاعده آمره‌ای نقض نشود. هر دولتی می‌تواند اقداماتی را اتخاذ کند که بدون نقض تعهد، هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ... را بر دولت هدف یا اشخاص تحت صلاحیت او تحمیل نماید. اقدام مقابله به مثل در واکنش به اقداماتی اتخاذ می‌شوند که دولت هدف در پیش گرفته و موجب نقض تعهدات خود در قبال تحریم‌کننده یا لطمه به منافع آن شده است. این اقدامات بدون قید حصر شامل محدود سازی روابط تجاری و تجارت با دولت هدف، اعمال فشار بر شرکت‌های خارجی و کشورهای ثالث برای عدم انجام معامله و برقراری روابط تجاری با کشور هدف، تعلیق کمک‌های اقتصادی به دولت هدف باشد. مبنای اتخاذ این اقدام مقابله به مثل، به مسئله خودیاری در حقوق بین‌الملل بر می‌گردد. دولت‌ها عموماً بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی از این آزادی عمل برخوردارند که مبادرت به خودیاری نمایند هرگاه که نهادهای بین‌المللی مؤثر برای حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها وجود داشته باشد. در کنار این باید به اقدامات متقابل اشاره کرد که نوعی تلافی‌جویی غیر قهری بشمار می‌روند. این اقدامات در واقع مسبوق به یک تخلف و انجام تعهدات بین‌المللی است. به بیان دیگر، نقض هرگونه تعهد بین‌المللی، دولت زیان دیده را به اتخاذ اقدامات متقابل از جمله تحریم‌های اقتصادی مستحق می‌سازد، مشروط بر اینکه راه‌کارهای مقتضی طی شده ولی نتیجه‌ای عاید دولت زیان دیده نشده باشد (جاوید، احسان، ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۱۲).

تحریم‌ها علاوه بر آثاری که بر دولت‌ها و حقوق آنها دارد، دارای آثاری بر مردم و حقوق مترتب بر آنها نیز دارد. از این منظر نیز ضروری است که قانونی و غیر مشروع بودن آنها نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

برخی از تحریم‌ها توسط سازمانهای بین‌المللی و نیز دولت‌ها بدلیل حمایت از شهروندان و تبعه دولت هدف وضع و اجرا می‌شوند. فارغ از هر نیتی، این بازیگران با مشاهده اوضاع نابسامان شهروندان دولت هدف و با توجه به اصل جهانی بودن حقوق بشر، به منظور کاهش آلام و درد و رنج آنها مبادرت به وضع تحریم می‌کنند تا رفتار دولت هدف را در قبال شهروندان خود تغییر دهند. با این حال، آنچه در عمل رخ می‌دهد و تاریخ تحریم‌ها نیز آن را به اثبات رسانده است تأثیر بیشتر و

مخرب این تحریم‌ها بر شهروندان دولت هدف است تا حاکمان و رهبران. بسیاری از حقوقی که در اسناد جهانی حقوق بشری به ودیعه گذاشته شده است تنها در شرایطی امکان تحقق و عملی شدن دارند و افراد می‌توانند از این حقوق بهره‌مند شوند که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به طور همه جانبه یکدیگر را مورد هم‌افزایی قرار دهند و شرایط را برای تحقق این اهداف فراهم سازند.

حقوق بشر یک موضوع جهانی است و موضوع مسئولیت مشترک جهانی را برای دولت‌ها پیش می‌کشد. کشورها هرچند طبق اسناد جهانی حقوق بشر، مسئول حفظ و ارتقای استانداردهای حقوق بشری در قبال شهروندان خودشان هستند، اما جنبه جهانی و عام‌الشمول حقوق بشر این واقعیت را برجسته می‌سازد که دولت‌ها نه تنها در قبال شهروندان خود، بلکه مسئولیت جهانی در این زمینه دارند.

در کنار آثار حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق بین‌الملل بشر مترتب بر تحریم‌ها، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز موضوع تحریم‌ها ضرورت ارزیابی دارد. متأسفانه تحریم‌های اقتصادی همیشه با آثار ناخواسته‌یی همراه بوده که بدون هرگونه تفکیک و تمایزی، به نیروهای رزمنده و ساکنان غیر نظامی به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر صدمه وارد می‌کند. بنابراین، نسبت به شهرت خوب تحریم‌های اقتصادی از زمان تأسیس جامعه ملل که تا مدتی با عنوان سلاحی توصیف می‌شد که هیچ کس را نمی‌کشد، اختلاف نظر پیدا کرد. به همین دلیل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از زمان پایان جنگ جهانی اول به بعد با پیامدهای ناگوار آن سرو کار داشته است. کمیته این آرزو را بر زبان آورده که طرف‌های متخاصم، مستثنیات بشردوستانه را در تحریم‌ها پیش بینی کنند و همچنین مبنایی حقوقی برای کمک‌هایی به غیرنظامی‌ها که بیش از همه از وقفه در روابط اقتصادی صدمه می‌بینند، برقرار نمایند (ممتاز، جمشید، ۱۳۷۸: ۱۱۳۳-۱۱۳۴).

هرچند حقوق بشردوستانه برخلاف حقوق بشر در شرایط جنگی پدیدار می‌شود و آن زمانی است که در حین توسل به زور و اقدام نظامی، حقوق شهروندان و غیرنظامیان رعایت شود، لیکن به دلیل آثار مخربی که تحریم‌های اقتصادی برجای می‌گذارند باید به مانند یک حمله مسلحانه با آن برخورد کرد. تحریم‌ها خسارتی به بار می‌آورند که غالباً در نتیجه جنگ و حمله نظامی حادث می‌شوند. تحریم‌ها گاهی به جای اقدامات نظامی بکار می‌روند و بدین اعتبار زورمدرانه هستند و موجب «خسارات موازی» می‌شوند (Owen, 2012: 115).

مطابق ماده ۲۳ کنوانسیون چهارگانه ژنو، دولت‌های عضو مکلفند عبور آزادانه کلیه محموله‌های دارو و مواد بهداشتی را که برای ساکنان غیر نظامی دشمن حمل می‌شوند، تأمین نمایند. همچنین،

تعهد در مورد مواد غذایی ضروری، پوشاک و مواد غذایی تقویتی مخصوص کودکان زیر ۱۵ سال، زنان باردار یا زنانی که تازه وضع حمل نموده‌اند نیز وجود دارد (ممتاز، جمشید، ۱۳۷۸: ۱۱۳۷). در نتیجه اگر تحریم‌های اقتصادی مانع از عبور آزادانه و سریع این قبیل از اقلام ضروری گردند به مثابه یک عمل خلاف موازین حقوق بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی تلقی شده و مشروعیت آن با شک و تردیدهایی همراه خواهد شد.

۳- لایحه تحریمی یکجانبه جدید آمریکا علیه سوریه

از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ و در طول دوران جنگ سرد، آمریکابرغم شناسایی حقوقی این کشور، به دلیل گرایش سوریه به شوروی، روابطی توأم با تنش و خصومت را با این کشور داشته است. این خصومت و تنش در دوره حکومت خاندان اسد و به دلیل عدم پیروی این خاندان با سیاست‌های کلان آمریکا در منطقه و دشمنی ایدئولوژیک با رژیم صهیونیستی تداوم داشته و در برهه‌ای به ویژه با ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۴ و اتهام ترور وی به وسیله عوامل سوریه، بیشتر نیز شده است. در پی این اتهام، آمریکا شدیدترین تحریم‌ها را علیه دولت و ملت سوریه اعمال نمود. تحریم‌هایی که البته عقبه آن به چند دهه قبل یعنی سال ۱۹۷۹ برمی‌گردد.

با وقوع بهار عربی در منطقه و تسری این بحران به سوریه در سال ۲۰۱۱، آمریکا یک رشته تحریم‌های جدید را با هدف تضعیف حکومت اسد و تقویت مخالفان و گروه‌های معارض نظام سوریه اعمال نمود. بسته جدید تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه سوریه در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۰ موسوم به قانون سزار تصویب و به مرحله اجرا درآمد. این قانون پس از انتشار عکس‌هایی از زندانیان سوری که در زندان‌های نظام اسد مورد شکنجه قرار می‌گیرند، تصویب شد. نام قانون سزار نیز برگرفته از رمز عملیاتی است که یکی از نیروهای ارتش سوریه بطور مخفیانه این عکس‌ها را تهیه و به نهادهای حقوق بشری ارسال کرده است.

لایحه سزار ۳۹ فرد و بنگاه اقتصادی سوری از جمله بشار اسد و همسر وی را مورد تحریم قرار داده است و به گفته مقامات وزارت امور خارجه آمریکا، این تنها آغاز آنچه انتظار می‌رود تابستان داغ برای سوریه باشد، است. قانون سزار تحریم‌هایی را بر هر دولت خارجی که آگاهانه قصد مساعدت دولت سوریه و اشخاص وابسته به آن را دارند، تحت تحریم‌های شدید قرار داده است. تحریم بخش نفتی و گازی سوریه نیز در چارچوب لایحه تحریمی سزار قرار دارد. ممنوعیت فروش هواپیماهای

نظامی، مسافربری، هلیکوپتر و قطعات یدکی آنها نیز از جمله موارد تحریمی مطرح در لایحه سزار هستند (Heydemann, Steven, 2020).

این لایحه به قانون تبدیل نشده است. در عوض، بخش‌هایی از آن در قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۲۰ گنجانیده شده است، و بعید به نظر می‌رسد که اصل این لایحه مورد تجدید نظر قرار گیرد. شماری از صنایع تحت کنترل سوریه از جمله صنایع مرتبط با زیرساخت‌ها، نگهداری تجهیزات نظامی و تولید انرژی هدف قرار گرفته‌اند. این لایحه همچنین افراد و کشورهای که بودجه یا کمک مالی برای رئیس جمهور سوریه تأمین می‌کنند را نیز هدف قرار می‌دهد. لایحه سزار با هدف جلوگیری از سرمایه‌گذارای خارجی و عقد قرارداد برای بازسازی سوریه پس از جنگ داخلی طراحی شده است (GovTrack.us, 2019).

مفاد الزام‌آور لایحه سزار پس از چهار سال یعنی از سال ۲۰۲۴ منقضی خواهد شد. با این وجود بند ۴۱ این قانون از شش پیش شرط برای لغو تحریم‌ها سخن می‌گوید:

- پایان دادن به بمباران هوایی توسط نیروهای سوری و روسی؛
- نیروهای ایرانی، روسی و سوری و نهادهای مرتبط با آنها، کمک‌های انسان دوستانه به غیرنظامیان تحت محاصره را محدود نمایند؛
- همه زندانیان سیاسی آزاد می‌شوند و به سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، دسترسی کامل به زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سوریه داده می‌شود؛
- بمباران "تأسیسات پزشکی، مدارس، مناطق و اماکن مسکونی" توسط نیروهای سوری، روسی، ایرانی و همچنین افراد مرتبط با آنها متوقف می‌شود؛
- امکان بازگشت "ایمن، داوطلبانه و عزتمندانه سوری‌ها آواره شده در جنگ" باید فراهم شود؛
- پاسخگو نمودن "عاملان جنایات جنگی در سوریه و عدالت برای قربانیان جنایات جنگی که توسط رژیم اسد مرتکب شده‌اند، از جمله مشارکت در یک کمیته حقیقت‌یاب قابل اعتماد و مستقل فراهم شود (Congress gov, 2019).

نکته جالب توجه لایحه سزار آن است که آمریکا مدعی شده که این قانون برای حمایت از شهروندان سوری است، اما واقعیت این است که با توجه به گستردگی ابعاد تحریمی سزار به نظر می‌رسد که شهروندان سوریه از لحاظ وضعیت معیشتی بیش از پیش در مضیقه قرار گیرند. از این منظر می‌توان دو سناریو در ارتباط با لایحه سزار که با ادعای حمایت از حقوق غیرنظامیان و

تضعیف حکومت بشار اسد مورد تصویب قرار گرفته است، طرح و آنها را مورد ارزیابی قرار داد. سناریوی نخست این است که در چارچوب لایحه سزار، فشارها بر حکومت اسد افزایش یافته و در نتیجه این حکومت مجبور به پذیرش برخی تغییرات در رفتار داخلی و خارجی خود می‌شود یا اینکه راه برای سقوط این نظام هموار می‌گردد. سناریوی دوم این است که لایحه تحریمی سزار نه تنها اثری بر نظام سیاسی و نیز رفتار سیاست خارجی سوریه ایجاد نمی‌کند، بلکه این مردم و شهروندان سوریه هستند که بیشترین آسیب را از لایحه تحریمی جدید آمریکا می‌پذیرند و حقوق مصرح آنها در اسناد جهانی حقوق بشر از جمله «حق حیات»، «حق غذا»، «حق سلامت»، «حق کار» و «حق آموزش» بیش از پیش در معرض تهدید و نقض قرار می‌گیرد.

۴- سناریوهای محتمل قانون تحریمی سزار

سناریوی نخست: ایجاد تغییرات اساسی و سقوط احتمالی حکومت بشار اسد: در چارچوب سیاست‌های خاورمیانه‌ای ایالات متحده، سوریه به عنوان کشوری ناسازگار و به بیان جرج بوش پسر «محور شرارت» معرفی شده است. با اینکه سوریه در چارچوب «عملیات سپر صحرا» و «طوفان صحرا» به منظور آزادسازی کویت از چنگ نیروهای رژیم بعثی عراق حدود ۱۴۵۰۰ سرباز اختصاص داد و آمریکا را در این راه همراهی نمود، اما روابط دو کشور بدلیل مخالفت سوریه با سیاست‌های اسرائیل به سرعت به سردی گرایید. سوریه به طور مداوم بر خواسته خود مبنی بر عقب نشینی کامل اسرائیل به مرزهای ژوئن سال ۱۹۶۷ جولان، تعهد بر آرمان فلسطین و ضرورت اینکه آمریکا به جایگاه لبنان و سوریه در روند صلح اولویت بالاتری دهد، تأکید می‌کند (هنسن، برت و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۹).

ایالات متحده آمریکا ملاحظات خاص خود را در مورد سوریه دارد. اینکه از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه کاسته و از حمایت حزب‌الله لبنان و گروه‌های جهادی در فلسطین دست بردارد. در حقیقت، تضعیف «محور مقاومت» که سوریه قلب آن در نظر گرفته می‌شود، خواسته اصلی آمریکا از حکومت بشار اسد می‌باشد. اعمال فشار حداکثری و اتخاذ اقدامات یکجانبه اجبارآمیز علیه دولت قانونی سوریه در راستای خروج این کشور از مدار محور مقاومت و تأمین امنیت حداکثری اسرائیل قابل بحث و ارزیابی است.

وقوع تحولات موسوم به بهار عربی و تسری آن به سوریه در سال ۲۰۱۱، فرصتی استثنایی برای آمریکا بود تا نیت دیرینه خود علیه سوریه و محور مقاومت را عملی سازد. با شروع این بحران، آمریکا، استراتژی حمایت از مخالفان و تضعیف حکومت بشار اسد را در دستور کار قرار داد. تهیه و

تنظیم پیش نویس قطعنامه‌های ۲۰۴۳ و ۲۰۴۵ در شورای امنیت، تجهیز معترضان و مخالفان حکومت اسد به انواع سلاح‌ها، حمایت از رسانه‌ها و عناصر اپوزیسیون و نیز تحریم یکجانبه حکومت اسد از جمله اقدامات مغرضانه این کشور در قبال تحولات سوریه بود.

مجموع نگرش‌ها و اقدامات آمریکا علیه سوریه این واقعیت را مطرح می‌سازد که رهبران این کشور حضور بشار اسد در رأس قدرت سوریه را در تعارض با منافع خاورمیانه‌ای خود می‌دانند و بنابراین حذف این رژیم را بعنوان بخشی از راهبردهای کلان آمریکا تعریف کرده‌اند. از این رو ضرورت دارد اقدام جدید این کشور در قبال حکومت بشار اسد نیز در همین راستا مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

هدف اصلی کلیه تحریم‌های یکجانبه این است که تغییراتی اساسی در رفتار داخلی و خارجی کشور هدف ایجاد نموده و کلیه رفتارهای آن را با آمال و استراتژی‌های کشور تحریم کننده همسو نماید. لایحه تحریمی سزار نیز در اصل با این نیت توسط دولت ایالات متحده آمریکا تصویب و اجرایی شده تا فشار بر دولت بشار اسد افزایش یافته و تغییری اساسی و بنیادین در رفتارهای این کشور ایجاد شود. طرفداران سناریوی نخست معتقدند که قانون سزار آنقدر واضح است که نیاز به تفسیر و برداشت متفاوت نداشته باشد. این قانون با هدف تضعیف حکومت بشار اسد و حمایت از غیرنظامیان و شهروندان سوریه طراحی شده و بنابراین با زبانی صریح و شفاف منظور خود را بیان می‌دارد.

به اعتقاد این گروه، مجازات‌هایی که لایحه سزار وضع کرده است با اهداف اعلانی آن سازگاری دارد: از بین بردن ظرفیت‌های حکومت اسد برای ادامه جنگ، نابودی ظرفیت‌های اقتصادی این کشور، وادار کردن حکومت اسد برای آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به خشونت علیه غیرنظامیان و نشان دادن پیشرفت غیرقابل برگشت به سمت اجرای قطعنامه ۲۲۴۵ شورای امنیت ملل متحد (Heydemann, Steven, 2020).

تسری و گسترش تحریم‌ها برای طرف‌های ثالث نیز در حقیقت باید در راستای تلاش برای افزایش هزینه تعامل با حکومت اسد تفسیر شود. واقع امر این است که حکومت اسد ماندگاری و بقای خود را مدیون کمک‌ها و مساعدت‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه می‌داند. بدون چنین حمایتی، ظرفیت‌های جنگی اسد در مواجهه با مخالفان به میزان قابل توجهی تحلیل می‌رود و راه برای به قدرت رسیدن داعش و یا گروه‌های همسو با آمریکا و رژیم صهیونیستی هموار می‌شود. برای یک دهه گذشته، حمایت‌های نظامی و مالی ایران و روسیه بوده که چنین مقاومتی را از سوی حکومت اسد در برابر فشارهای بین‌المللی و داخلی شاهد بودیم.

با این وجود، طرفداران این سناریو با اشاره به ابعاد وسیع تحریمی لایحه سزار و تضعیف مالی و اقتصادی کشورهای طرفدار این حکومت از قبیل روسیه و جمهوری اسلامی ایران به دلیل کاهش قیمت انرژی، معتقدند که قانون سزار بر خلاف تحریم‌های سابق آمریکا و کشورهای اروپایی، کانادا، استرالیا، انگلیس و ژاپن می‌تواند در لحظه آسیب‌پذیر از اقتصاد حکومت اسد شانس موفقیت بیشتری داشته باشد (Heydemann, Steven, 2020).

در اوایل ماه ژوئن، پوند سوریه دچار فروپاشی چشمگیر شد. دولت آمریکا از طریق جیمز جفری نماینده آمریکا اظهار داشت که سقوط به دلیل تحریم‌ها تشدید می‌شود و پیشنهاد داد در صورت موافقت با شرایط خاص برای اصلاحات سیاسی به رئیس جمهور بشار اسد کمک کند. در ۱۰ ژوئن، صدها نفر از معترضین برای چهارمین روز پیاپی به خیابان‌ها بازگشتند و در برابر سقوط اقتصاد این کشور تجمع کردند، زیرا پوند سوریه در هفته گذشته به ۳,۰۰۰ دلار کاهش یافت. در ۱۱ ژوئن، نخست وزیر عماد خمیس در میان اعتراضات ضد دولت به دلیل وخیم تر شدن شرایط اقتصادی توسط رئیس جمهور بشار اسد برکنار شد (Reliefweb, 2020). کاهش نرخ ارز سوریه و افزایش چشمگیر تحریم‌ها به نظر می‌رسد تهدیدهای جدیدی را برای بقای دولت اسد ایجاد کند. برخی از تحلیلگران نگرانی‌هایی را مبنی بر اینکه اسد در آستانه از دست دادن قدرت است، ابراز می‌کنند. اما به نظر می‌رسد این سقوط نه تنها باعث بهبود امور در سوریه نشود، بلکه ممکن است هرج و مرج و آشوب را در کشور گسترش داده و منجر به وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی و سیاسی در این کشور بحران زده گردد.

سناریوی دوم: افزایش فشار حداکثری بر شهروندان و غیرنظامیان: تجربه تحریم‌های عراق در دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان داد که این قبیل از اقدامات نه تنها بر دولت‌های هدف تأثیر چندانی نمی‌گذارد، بلکه این شهروندان هستند که بیشترین آسیب را از اقدامات یکجانبه اجبارآمیز و تحریم‌های اقتصادی متحمل می‌شوند. در دوره تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت و آمریکا، بیش از ۲۱ درصد از کودکان زیر ۵ سال در عراق مواجه با کاهش وزن بودند. بیش از ۲۰ درصد سوء تغذیه مزمن و ۹ درصد نیز به سوء تغذیه حاد دچار شدند (Saddam, Ahmed, 2018). بنابراین اگر دولت ایالات متحده آمریکا در چارچوب استراتژی پیشدستانه وارد جنگ با رژیم بعثی عراق نمی‌شد، بسیار بعید بود که تحریم‌های شدید شورای امنیت و آمریکا بتواند تغییری در رفتار داخلی و خارجی این کشور ایجاد نماید.

دولت سوریه تا قبل از تصویب قانون سزار، تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی از سوی جامعه بین‌المللی و نیز آمریکا قرار داشت. با این حال نه تنها تغییری در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور حاصل نشد، بلکه این شهروندان سوریه بودند که از تمامی حقوق مصرح خود در اسناد جهانی حقوق بشر از جمله حق حیات، حق بر غذا، حق بر بهداشت و سلامت و نیز حق بر کار و اشتغال محروم شدند.

طبق گزارش گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در زمینه اثر منفی اقدامات یکجانبه اجبار آمیز بر بهره‌مندی از حقوق بشر، در طول دوره جنگ داخلی سوریه و در اثر تحریم‌های شورای امنیت و ایالات متحده آمریکا، شهروندان سوری از بسیاری از حقوق قانونی خود در اسناد جهانی حقوق بشر محروم شدند. بر اساس این گزارش ادیس جزایری گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر برآورد کرده است که حدود ۶.۱ میلیون کودک و خردسال سوری به حمایت‌های آموزشی نیاز دارند. ۱.۷۵ میلیون کودک خارج از مدرسه و یک سوم از مدارس سوریه نیز تبدیل به ویرانه شده است و تعداد زیادی از آنها نیز به صورت پناهگاه‌های موقت تغییر کاربری داده‌اند. ۴.۲ میلیون نفر به پناهگاه کافی احتیاج دارند و ۱۴.۶ میلیون نفر نیز از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم هستند. (Jazairy, Idris, 2018: 3).

بنابراین به گزارش سازمان جهانی بهداشت تقریباً ۱۱.۳ میلیون سوری فاقد دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی کافی هستند و از سه کودک یک نفر بدلیل کمبود واکسن‌های حیاتی جان خود را از دست می‌دهند. کاهش میزان واکسیناسیون در سوریه منجر به ظهور مجدد بیماری‌هایی شده که قبلاً توسط نظام بهداشتی این کشور ریشه کن شده بودند. بیماری‌هایی از قبیل حصبه، سرخک و فلج اطفال قبل از شروع جنگ داخلی تقریباً به ندرت در این کشور مشاهده می‌شد (WHO, 2016; Quoted from Jazairy, 2018: 3).

گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در گزارش ویژه خود راجع به سوریه آورده است که حدود ۶.۵ میلیون نفر از مردم سوریه دچار ناامنی غذایی شده‌اند و ۴ میلیون نفر دیگر در معرض مبتلا به این مورد هستند که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. ۴.۳ میلیون زن و کودک نیاز به حمایت تغذیه‌ای شدید دارند. تولید مواد غذایی محلی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ نسبتاً پایدار بود و سوریه تنها کشوری در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شد که در تولید مواد غذایی تقریباً خودکفا شده بود. از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۱ سوریه دارای یک بخش کشاورزی پر رونق بود که حدود ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌داد و ۱۷ درصد از نیروی کار را نیز درگیر خود ساخته بود (FAO, 2016; Quoted from Jazairy, 2018:4).

بازار تولید مواد غذایی توسط دولت سوریه کنترل می‌شد، قیمت‌های مواد غذایی مقرون به صرفه بود و کالری دریافتی روزانه مردم سوریه با بسیاری از کشورهای غربی برابری می‌کرد. از سال ۲۰۱۱ تولید مواد غذایی کاهش یافته و امروز سوریه به واردات مواد غذایی متکی است (Jazairy, Idris, 2018:4).

بیش از سال ۲۰۱۱ اقتصاد سوریه یکی از بهترین عملکردها را در منطقه داشت و نرخ رشد آن به طور متوسط ۴.۶ درصد در هر سال از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ بود. با این حال از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ این نرخ رشد منفی شد و سالانه بطور متوسط ۱۰.۸ درصد کاهش می‌یابد. وخامت اوضاع اقتصادی به اشتغال این کشور آسیب جدی زده است. جمعیت سن کار سالانه دو درصد کاهش یافته است که تخمین زده می‌شود ۲۶۴ هزار نفر در هر سال در آن دوره کاهش یافته است. بطور کلی نرخ بیکاری از ۸.۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۵۲.۹ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش معناداری داشته است (World Bank, 2017; Quoted from Jazairy, 2018:4). هر چند برخی از این مشکلات بدلیل شرایط جنگی است که سوریه با آن مواجه است، اما تحریم‌های مالی و بین‌المللی شورای امنیت، کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا نیز به وخیم‌تر شدن اوضاع شهروندان سوریه نقش بسیار مخربی داشته است.

تحریم‌های اقتصادی و نفتی توانایی سوریه را در خرید مواد غذایی به ویژه در سطح منطقه و بین‌الملل مختل نموده و توانایی آن را برای هر آنچه که بتواند برای واردات کالاهای ضروری پرداخت کند، بشدت مورد تضعیف قرار داده است. این تحریم‌ها بر بحران مالی سوریه دامن زده و مانع از پرداخت یارانه‌ها توسط دولت بر مواد غذایی شده است.

تحریم‌های بین‌المللی مانع از دسترسی کشاورزان به مواد شیمیایی محافظتی از جمله کودهای شیمیایی شده که این موضوع در کنار تحریم بخش انرژی و کمبود آب در کاهش تولید مواد غذایی، علوفه دامی و به تبع آن امنیت غذایی شهروندان سوری مؤثر بوده است. بنابراین تجربه‌ای که از نظام تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های یکجانبه آمریکا وجود دارد و می‌تواند بعنوان چراغ راهنمای تحلیل و ارزیابی لایحه تحریمی سزار باشد، این است که این قانون یکبار دیگر به رنج و آلام مردم و غیرنظامیان سوریه منجر می‌شود و به حقوق قانونی و مصرح آنها در اسناد جهانی حقوق بشر خدشه جدی وارد خواهد کرد. بویژه آنکه، لایحه سزار در شرایطی توسط آمریکا وضع و اجرا شده است که مردم سوریه به مانند کلیه جوامع بشری درگیر مبارزه با ویروس کرونا هستند.

در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۰، وزیر امور خارجه سوریه، ولید معلم، کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرد و خاطرنشان کرد که امریکا بدنبال "گرسنگی مردم" است و تحریم‌ها باعث می‌شود که درها برای بازگشت "تروریسم" باز شود. تحلیلگران خاطر نشان کردند که اجرای آینده تحریم‌های سنگین جدید تحت قانون سزار ایالات متحده می‌تواند اقتصاد سوریه را ویران کند، هرگونه احتمال بهبودی را تخریب کند، ثبات منطقه را نابود نموده و کاری جز بی‌ثبات کردن کل منطقه انجام ندهد (New York Times, 2020).

۵- مشروعیت لایحه تحریمی سزار از منظر حقوق بین الملل

از آنجا که لایحه تحریمی سزار، دارای جنبه فراسرزمینی بوده، بیشترین آسیب را بر شهروندان سوریه وارد می‌سازد و مانع از ورود اقلام ضروری به غیرنظامیان می‌شود، از سه جنبه حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل طرح و ارزیابی است. در چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی و عرفی، لایحه تحریمی سزار از این منظر مورد نقد و بررسی است که دارای جنبه فراسرزمینی بوده و علاوه بر اتباع ایالات متحده آمریکا، طرف‌های ثالث را نیز در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه صلاحیت یک امر حاکمیتی است و دولت‌ها فقط مجازند صلاحیت خود را در قلمرو سرزمینی خود و در رابطه با اتباع خود اعمال نمایند، از این‌رو اصل سنتی صلاحیت یعنی صلاحیت سرزمینی^۱ در حقوق بین‌الملل عرفی امری مجاز و پذیرفته شده به شمار می‌آید. در چارچوب این اصل هر دولتی حق دارد نسبت به اشخاص و اموالی که در سرزمینش قرار دارند، یا اموری که در محدوده قلمرواش اتفاق می‌افتند، اعمال صلاحیت کند. باید بین موضوع صلاحیت و مبنای سرزمینی ارتباط اصیل و واقعی وجود داشته باشد و منافع معقول در رابطه با حقوق کشورهای دیگر رعایت شود (مقتدر، هوشنگ، ۱۳۷۰: ۸۳-۸۴).

در چارچوب حقوق بشر بین‌الملل نیز مشروعیت قانون تحریمی سزار با توجه به سابقه تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا علیه دولت و مردم سوریه، با چالش جدی مواجه است. طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت مجاز به اعمال تحریم به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در این ارتباط گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر تصریح می‌دارد که چندین بار از دولت‌ها خواسته شده تا از اجرای یکجانبه تحریم‌های اقتصادی اجتناب کنند. از جمله در قطعنامه ۲۱/۳۹ که در آن مجمع عمومی به کشورهای توسعه یافته تاکید می‌کند از تهدید یا اعمال

^۱. Territorial Jurisdiction

محدودیت‌های تجاری، محاصره اقتصادی و تحریم اقتصادی که ناسازگار با مقررات منشور است علیه کشورهای در حال توسعه بعنوان شکلی از اجبار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که بر توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنها تاثیر منفی می‌گذارد خودداری نمایند. اعلامیه برنامه و اقدام وین که در سال ۱۹۹۳ توسط کنفرانس جهانی حقوق بشر به تصویب رسید به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند. کنفرانس مزبور از کشورها می‌خواهد تا از هرگونه اقدام یکجانبه مطابق با قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد که ایجادکننده موانع جدی در روابط تجاری میان دولت‌هاست به شدت اجتناب ورزند. این اقدامات مانع از تحقق کامل حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی حقوق بشری است. در کنار این موارد، لایحه تحریمی سزار حقوق مطرح در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را نیز مورد خدشه جدی قرار می‌دهد. هر چند آمریکا به صراحت بیان می‌دارد که هدف از طراحی این لایحه اعمال فشار بیشتر بر دولت سوریه است با این حال، این مردم عادی و شهروندان سوریه هستند که به دلیل آثار ناخواسته تحریم‌های اقتصادی مجبورند فشارهای اقتصادی و تحریم‌های ناشی از لایحه سزار را تحمل کنند. در این ارتباط هرچند دولت آمریکا برای توجیه افکار عمومی جهانی، بحث تحریم‌های هوشمند و هدفمند را مطرح نموده است، لیکن واقعیت این است که تحریم‌ها بدون تبعیض عمل می‌کنند و حتی با اعمال یکسری معافیت‌های تحریمی نیز از آثار سوء آن کاسته نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

آمریکا در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۰، قانون محافظت از شهروندان سوری موسوم به سزار را مورد تصویب قرار داد. با توجه به تحریم‌های یکجانبه سابق آمریکا، کشورهای اروپایی، ژاپن، استرالیا، کانادا، انگلیس و نیز جنگ داخلی ۹ ساله این کشور، قانون تحریمی سزار که تمامی منافذ تنفسی و مالی سوریه را مورد هدف قرار داده، مقداری بیشتر باید بر عنوان این تحریم یعنی حفاظت از شهروندان سوری، آن هم در شرایط وخیم کرونایی، تأمل کرد.

سوریه نیز به مانند اغلب کشورهای جهان درگیر مبارزه با ویروس کوید ۱۹ است. با این حال وضعیت سوریه بعنوان یک کشور تحریم زده و جنگ زده به مراتب بدتر از سایر کشورهاست. این کشور درگیر یک جنگ داخلی ویرانگر ۹ ساله بوده و اکثر زیرساخت‌های پزشکی و بیمارستانی خود را از دست داده است. نیروهای متخصص و ماهر این کشور در اثر جنگ جان خود را از دست داده‌اند و آنهایی که جان سالم به در برده‌اند عطای ماندن در سوریه را به لقایش بخشیده و به کشورهای همسایه و اروپایی مهاجرت کرده‌اند.

کمبود منابع پزشکی و بیمارستانی در سوریه وضعیت پیچیده و بغرنجی را برای مردم این کشور به وجود آورده و نگرانی‌هایی را در سطح نهادهای حقوق بشری و افکار عمومی جهان ایجاد کرده است. آمارها از جامعه سوریه نشان دهنده آن هستند که تعداد کمی از مردم سوریه مبتلا به ویروس کوید ۱۹ شده‌اند. لیکن باید به این نکته اساسی توجه داشت که از لحاظ تجهیزات پزشکی و آزمایشگاه‌های تشخیص کوید ۱۹ سوریه در وضعیت بسیار نامساعد و نامطلوبی به سر می‌برد. تنها در پایتخت سوریه و آزمایشگاه مرکزی دمشق، آزمایش تشخیص کوید ۱۹ انجام می‌گیرد و سایر شهرها و مناطق سوریه از جمله شمال شرقی این کشور فاقد آزمایشگاه تشخیص کوید ۱۹ هستند. بنابراین پایین بودن سطح آمار مبتلایان به کوید ۱۹ نشان دهنده وضعیت سفید سلامتی در این کشور نمی‌باشد، بلکه فقدان منابع پزشکی و تجهیزات آزمایشگاهی پیشرفته در این کشور مانع از ارائه گزارش و آمار دقیق مبتلایان به کرونا شده است.

تحلیل تحریم‌های یکجانبه توسط آمریکا در شرایطی که مردم سوریه درگیر مبارزه با کرونا هستند و آثار جنگ ۹ ساله را تجربه می‌کنند، مباحثی را در خصوص حقوق بشردوستانه مطرح می‌کند. تحریم‌های آمریکا با ادعای حمایت و حفاظت از شهروندان سوریه در مقابل سرکوبگری رژیم وضع و اجرا می‌شوند، اما اقدامات یکجانبه اجبارآمیز همواره بدون تبعیض اجرا می‌شوند و در تفکیک اشخاص غیر نظامی و نظامی ناموفق عمل می‌نمایند. تجربه تمامی تحریم‌های یکجانبه حتی با وجود هدفمند بودن نیز این واقعیت را به اثبات می‌رسانند. تحریم‌های وضع شده توسط آمریکا علیه عراق تحت سلطه رژیم بعثی صدام بیشتر از آنکه بر نظامیان و دولت‌مردان اثر بگذارد، شهروندان بیگناه این کشور را طی دهه ۱۹۹۰ آزار داد و آنها را از تمامی حقوق مصرح خود در اسناد جهانی حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق کودک محروم نمود.

نگارندگان مقاله حاضر برای میزان سنجی اثر تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا به ویژه لایحه تحریمی سزار، دو سناریو را پیش کشیدند. سناریوی نخست بررسی اثر تحریم یکجانبه آمریکا بر دولت سوریه و سقوط احتمالی حکومت اسد بود. با توجه به تجربه تاریخی تحریم‌های آمریکا، احتمال به وقوع پیوستن این سناریو بسیار کمتر است. هرچند اثرات خود را بر پول ملی گذارده و مشکلاتی را از لحاظ اقتصادی برای حکومت اسد به وجود آورده است.

سناریوی دوم بررسی اثر تحریم یکجانبه آمریکا بر شهروندان سوری بود که در این ارتباط مطرح شد که بیش از دولت‌مردان و نظامیان سوریه، قانون تحریمی سزار بر شهروندان این کشور اثر منفی خواهد گذارد. گرسنگی مردم بیشتر شده، سلامت آنان به خطر افتاده، بیکاری افزایش می‌یابد، نظام

آموزشی مختل شده و در نتیجه حق حیات آنان بیش از پیش تضییع می‌شود. بنابراین حق حیات، حق سلامت، حق بر غذا، حق بر آموزش و حق بر کار و اشتغال که از حقوق اساسی و بنیادین انسانی به شمار می‌آیند، با اجرایی شدن لایحه تحریمی سزار مورد نقض جدی و فاحش قرار می‌گیرند.

منابع و مأخذ

فارسی

کتاب و مقالات

- دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی (۱۳۹۴). آشنایی با مبانی آینده پژوهی.
- هنسن، برت و دیگران (۱۳۹۰). راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی؛ قدرت از دست رفته. رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- البرزی ورگی، مسعود (۱۳۸۶). «حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، نشریه حقوق اساسی، دوره چهارم، شماره هشتم، صص ۱۷-۴۱.
- پدرام، عبدالرحیم و زالی، سلمان (۱۳۹۷). «الگوی نوین برای سناریونویسی در موضوعات راهبردی مطالعه موردی: سناریوهای آینده بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره هفتم، شماره دوم، صص ۱-۲۶.
- جاوید، احسان (۱۳۹۳). «مشروعیت اعمال تحریم‌های اقتصادی یکجانبه در حقوق بین‌الملل؛ ضامن اجرای حقوق بین‌الملل یا ابزار سیاست ملی؟»، دانشنامه حقوق و سیاست، دوره ۲۲، شماره‌های ۳ و ۴، صص ۱۰۵-۱۴۹.
- داوری، محسن (۱۳۸۹). «مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صص ۸۷-۱۱۳.
- زمانی، سیدقاسم و غریب آبادی، کاظم (۱۳۹۶). «واکاوی قانونی بودن و مشروعیت تحریم‌های یکجانبه اقتصادی به موجب حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۷۲، شماره ۲۰، صص ۹۳-۱۲۹.
- علی‌پور، جواد و قیطاسی، سجاد (۱۳۹۶). «آینده پژوهی بحران سیاسی-امنیتی سوریه بر پایه سناریو نویسی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره هفتم، شماره چهارم، صص ۲۳۱-۲۶۱.
- عمادی، سید محسن (۱۳۹۱). «تأثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۶، شماره یکم، صص ۱۲۱-۱۶۲.
- فشنندی، نویان و قادری، حسین (۱۳۹۶). «بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم‌های هوشمند علیه ایران و تأثیرات برجام بر این تحریم‌ها»، فصلنامه قانون یار، دوره دوم، شماره چهارم، صص ۱۳۵-۱۷۲.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۵). «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۶ و ۱۷، شماره‌های دوم و سوم، صص ۹۵-۱۳۵.

- مافی، همایون (۱۳۸۵). «تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل». پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی، دور یکم، شماره یکم، صص ۶۰-۸۴.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰). «صلاحیت دولت‌ها و انواع آن»، مجله حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۶، شماره چهارم، صص ۸۳-۹۷.
- پایان نامه ها
- بحیرائی، فاطمه (۱۳۹۲). «حقوق بشر و جرایم سایبری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، بخش علمی الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور.
- ضیایی، یاسر (۱۳۹۱). «صلاحیت فراسرزمینی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، پایان‌نامه دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- نعمتی، نیلوفر (۱۳۸۸). «مشروعیت تحریم از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم‌های یکجانبه علیه ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه پیام نور تهران.

لاتین

- FAO (Food and Agriculture Organization) and WFP (World Food Programme) (2016). Crop and Food Security Assessment Mission to the Syrian Arab Republic. Rome: FAO and WFP. Available at: <https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/a-i6445e.pdf>.
- <https://www.govtrack.us/congress/bills/116/s52>
- <https://www.congress.gov/bill/116th-congress/house-bill/31/text>
- <https://reliefweb.int/report/syrian-arab-republic/recent-developments-northwest-syria-situation-report-no-16-26-june-2020>
- Heydemann, Steven (2020). "The Caesar Act and Pathway Out of Conflict in Syria", Brookings: www.brookings.edu > order-from-chaos > 2020/06/19
- Jazairy, Idris (2015). "Report of the Special Rapporteur on the negative impact of unilateral coercive measures on the enjoyment of human rights", Human Rights Council Thirty session Agenda item 3 .
- Owen, Mallory (2012). "The Limits of Economic Sanctions Under International Humanitarian Law: The Case of Congo", Texas International Law Journal. Vol 4, issue 1, pp.104-123.
- Saddam, Ahmed (2018), "Strategies for the Control of Malnutrition in Iraq", Academy of Nutrition and Dietetics Foundation.
- The New York Times (2020), "Syrian FM Says US Sanctions Seek to Starve the People", June 23, 2020.
- WHO (World Health Organization) (2016). "Syrian Arab Republic Annual Report 2016", Geneva: World Health Organization, Available at: http://www.who.int/hac/crises/syr/sitreps/syria_annual-report-2016.pdf.
- World Bank (2017). "The Toll of War: The Economic and Social Consequences of the Conflict in Syria", p. 68. Available at: <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/27541>.